

نگاهی به مقاله "بررسی ساختار و تشکیلات بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی"

حامد اخوی زادگان^{1*}

تاریخ دریافت: 99/5/26

تاریخ پذیرش: 99/7/12

تاریخ انتشار: 99/11/19

نامه به سردبیر

نوشته‌ی جذاب آقای رضا دشتی (1) درباره‌ی ساختار بیمارستانی در تمدن اسلامی دارای نکاتی است که توجه بیشتر را می‌طلبد. در پیشگفتار این نوشتار که درباره‌ی بیمارستان‌های دوره‌ی اسلامی است به بیمارستان‌های کشورهای عربی بسیار توجه شده است؛ البته در همین دوره‌ی اسلامی، بیمارستان‌های بسیار مهمی در کشور ایران نیز وجود داشته است؛ از این میان می‌توان به جتاشاپیرتا (گندی‌شاپور) که تا قرن دوم هجری به کار خود ادامه داد، بیمارستان ری که زکریای رازی آن را بنیان نهاد، بیمارستان زرنند که عمرولیث صفاری به دنبال درگذشت یعقوب لیث و پی‌بردنش به درمان بیماری‌ها آن را ساخت، بیمارستان سپاهان دیلمیان، بیمارستان نیشاپور یادگار خواجه نظام‌الملک و بیمارستان عضدی شیراز در دوره‌ی دیلمیان اشاره کرد. این جدا از آن است که تا مدت‌ها، بیشتر پزشکان و سرکردگان بزرگ‌ترین بیمارستان عربی (بغداد)، از میان ایرانیان بوده‌اند؛ البته در سطور پسین گفتار نویسنده، به بیمارستان ری و شیراز و گرداندن بیمارستان بغداد توسط ایرانیان اشاره شده است که به جا بود در همان پیشگفتار نوشته می‌شد.

در بخش واژه‌شناسی به درستی ذکر شده که واژه‌ی بیمارستان پارسی است؛ ولی با تعریف «در اصطلاح به مکان، خانه یا عمارتی گفته شده که خلفاء، سلاطین یا افراد توانمند و عموماً صاحب‌منصب دولتی برای رسیدگی و پرستاری و مداوای افراد بیمار بی‌بضاعت می‌ساخته و آن را به‌صورت رایگان در اختیار آن‌ها قرار می‌داده‌اند و البته این کلمه در اشکال «مارستان» یا «بیمارخانه»، «دارالشفاء» یا «دارالمرضی» نیز استفاده می‌شده است»، چنان می‌نماید که واژه در دوره‌ی اسلامی ساخته یا به کار گرفته شده است. در حالیکه واژه‌ی بیمار و بیمارستان از قبل از اسلام در ایران کاربرد داشته است. پیم یا بیم در پارسی پهلوی به معنای درد، ریشه‌ی اصلی واژه‌ی بیمار (ویمار) و بیمارستان (ویمارستان) است (2) و اگرچه در خراسان بزرگ بیشتر از خسته‌خانه استفاده می‌شده، این واژه در نواحی غربی‌تر فلات ایران کاربرد داشته است. در همین بخش به درستی به این مطلب اشاره شده است که پزشکان معدود عرب نیز طبابت را در گندی‌شاپور آموخته بودند.

1. استادیار ارولوژی بیمارستان سینا، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: تهران، خیابان امام خمینی (ره)، میدان حسن‌آباد، بیمارستان سینا، دفتر گروه ارولوژی، تلفن: ۰۹۱۲۵۳۳۵۳۲۲.

Email: h-akhavizadegan@tums.ac.ir

درباره‌ی سلسله‌مراتب اداری نیز سیر تحول از ایرانی به اسلامی کاملاً واضح است. در ایران پیشین به پزشک سرکرده و ارشد، درست‌بد (بر وزن ارتشبد و سپهد) می‌گفته‌اند که دستورش بر پزشکان دیگر روا بوده است (4). این سرکردگی بیشتر از آنکه بر اساس جای فیزیکی بیمارستان باشد (چنان‌که در بیمارستان‌های پس از اسلام مشهود است)، در ایران بر اساس حرفه و کارآیی بوده است.

دیگرگونی برجسته‌ی پزشکی قبل و بعد از اسلام ظاهراً کالبدشناسی بوده است. گندی‌شاپور با الهام از تعالیم مسیحیان، در این رشته وارد نمی‌شدند؛ ولی پزشکان ایرانی پس از اسلام، مانند پورسینا بارها از شرح کالبدشکافی گزارش نوشته‌اند (5). در نهایت همان‌طورکه از نوشتار آقای دشتی پیداست پزشکی پیش و پس از اسلام همانند دو بال تمدن ایرانی هستند که از یکدیگر جدا نیستند و باید با هم در کانون توجه باشند.

در بخش ساختار بیمارستان‌های اسلامی، جدا شدن رشته‌های چشم، زنان، دهان و دندان و خون‌گیری (حجامت) شایان توجه است. جدایی رشته‌ی زنان باید به دلیل ساختار اسلامی باشد؛ زیرا در ایران کهن این بخش‌بندی بر اساس اشوپزشک (پزشک پیشگیری)، در بخش ساختار بیمارستان‌های اسلامی، جدا شدن رشته‌های چشم، زنان، دهان و دندان و خون‌گیری (حجامت) شایان توجه است. جدایی رشته‌ی زنان باید به دلیل ساختار اسلامی باشد؛ زیرا در ایران کهن این بخش‌بندی بر اساس اشوپزشک (پزشک پیشگیری)، دادپزشک (پزشک قانونی)، کاردپزشک (جراح)، گیاه‌پزشک و مانتره‌پزشک (روان‌پزشک) بوده است که اگر در مقاله اصلی به آنها اشاره میشد خالی از لطف نبود (3).

منابع

1. Dashti R. Investigating the structure and organization of hospitals in Islamic civilization (From the middle of the second century to the middle of the eighth century AH). *Medical Ethics and History of Medicine*. 2020; 13(1): 75-90. [in Persian]
2. US National Library of Medicine. Islamic Culture and the Medical Arts. https://www.nlm.nih.gov/exhibition/islamic_medical/islamic_12.html (accessed on: 2020)
3. Nouri A. [Vandidad kohantar in ketabe ghanoon Iranian]. *Fargarde* 7. Tehran: Artamis; 2019. [in Persian]
4. Kaviani Pooya H. [Pezeshki va seir tahavol An dar iran bastan]. *Meidcal History*. 2011; 2(3): 43-61. [in Persian]
5. Farahman Y. [Gondi Shapour, Bimarestan va Madrasah]. *Encyclopedia of the World of Islam*. 2010; 37-42. [in Persian]